

صنایع کاشی و سرامیک در دهه اخیر رشد درخور توجهی داشته است

اشاره:

ایران سرزمینی با تاریخ و تمدن کهن در هنر و صنعت است. صنعت کاشی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. آثار کاشی‌کاری به یادگار مانده از دوران صفویان و تیموریان در شهرهای اصفهان، قزوین، مشهد، کرمان و... در ابله تاریخی - مذهبی نشان از ذوق و خلاقیت ایرانیان در این هنر است و مهارت و فناوری معماران ایرانی در دشوارترین شرایط نصب کاشی در عمارت‌های گنبدی و استوانه‌ای شکل را به خوبی به جهانیان شناسانده است. با وجود تنوع ذخایر زیرزمینی، انرژی، نیروی انسانی و مهارت و فناوری در هنر ساخت و نصب کاشی در ایران، تولید کاشی به شیوه صنعتی در ایران به سال ۱۳۳۹ برمی‌گردد. پیش از آن تولید به صورت دستی و در کارگاه‌های کوچک انجام می‌شد. در این مقاله به بررسی روند تولید کاشی، سرامیک و چینی‌آلات بهداشتی و موانع و مشکلات این صنایع می‌پردازیم.

بر اساس گزارش وزارت صنایع و معادن، تعداد واحدهای تولید کاشی و سرامیک در ایران از ۱۴ واحد با ظرفیت اسمی ۳۱/۵ میلیون متر مربع (شامل کاشی دیواری و کف) در سال ۱۳۷۲ به ۱۶ واحد به ظرفیت اسمی ۳۷/۳ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت. با راه‌اندازی شش واحد جدید در سال ۱۳۷۴ ظرفیت تولید در این بخش به ۱/۳۶ میلیون متر مربع رسید. در همین حال با بهره‌گیری از واحد تازه تاسیس در سال ۱۳۷۵ مجموع ظرفیت اسمی تا ۵۶ میلیون متر مربع افزایش یافت. براساس همین گزارش، طی سال ۱۳۷۶ سه واحد جدید تولید کاشی دیواری و کف در ایران راه‌اندازی شد و ظرفیت اسمی به ۶۲/۱ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۷ نیز دو واحد دیگر راه‌اندازی شد و ۸۰۰ هزار متر مربع به ظرفیت اسمی افزوده شد. در سال ۱۳۷۸ که سال پایانی اجرای دومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران بود، دو واحد جدید تولید کاشی و سرامیک به بهره‌برداری رسید و به این ترتیب مجموع ظرفیت اسمی تولید این بخش از ۶۲/۹ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۷ به ۶۷/۱ میلیون متر مربع ارتقا یافت. بررسی آمارهای تولید کاشی و سرامیک در برنامه دوم نشان می‌دهد که

جز در سال ۱۳۷۴ که میزان تولید بیش از ظرفیت اسمی کارخانه‌های موجود بود، در بقیه سال‌ها همواره بخشی از ظرفیت تولید بیکار مانده است و این روند از سال ۱۳۷۵ آغاز شد و به تدریج گسترش یافت. آمارهای موجود نشان می‌دهد که میزان تولید کاشی و سرامیک دیواری و کف در کارخانه‌های موجود در ایران از ۳۲ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۲ به ۳۷ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۳ رسید. سپس در سال ۱۳۷۴ میزان تولید به ۴۶/۳ میلیون متر مربع، در سال ۱۳۷۵ به ۵۱ میلیون متر مربع، در سال ۱۳۷۶ به ۵۵ میلیون متر مربع، در سال ۱۳۷۷ به ۵۶ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۸ به ۶۰/۹

میلیون متر مربع بالغ شد. میزان بهره‌گیری از ظرفیت اسمی تولید در این بخش از ۱۰۲ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۹۹ درصد در سال ۱۳۷۳ تنزل یافت. سپس در سال ۱۳۷۴ به ۱۰۰ درصد رسید، اما سال بعد به ۹۱ درصد رسید. در سال ۱۳۷۶ نیز فقط ۸۹ درصد ظرفیت اسمی تولید مورد استفاده قرار گرفت که این محصول در تمام دوران اجرای برنامه دوم همواره بخشی از تولیدات کاشی و سرامیک به بازارهای خارجی عرضه شد، اما بخش قابل توجه آن برای تأمین نیازهای بازار داخلی، صرف شد. به گونه‌ای که میزان فروش داخلی کاشی و سرامیک از ۲۸/۵ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۲ به ۳۲/۲ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۳ و سپس به ۴۰ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. آمارهای موجود سطح فروش کاشی و سرامیک در بازار داخلی را در سال ۱۳۷۵ به میزان ۴۵/۸۵ میلیون متر مربع، در سال ۱۳۷۶ را ۵۵/۴ میلیون متر مربع نشان می‌دهد.

ارزش کاشی و سرامیک فروش رفته در بازار داخلی طی این دوران سیر صعودی داشته و از ۱۹۹/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ به ۲۶۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ و سپس به حدود ۳۶۰/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. این فروش در سال ۱۳۷۵ به ۴۸۵/۶ میلیارد ریال، در سال ۱۳۷۶ به ۶۳۵ میلیارد ریال، در سال ۱۳۷۷ به ۱۰۰۰ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۸ به ۱۳۸۵ میلیارد ریال رسید. به این ترتیب ظرفیت اسمی تولید کاشی در پایان برنامه دوم (سال ۱۳۷۸) نسبت به سال تکمیلی برنامه اول (۱۳۷۳) به میزان ۱۱۳ درصد، میزان تولید ۹۰ درصد، میزان فروش کاشی در بازار داخلی ۹۴ درصد و ارزش ریالی کاشی‌های فروش رفته در بازار داخلی حدود ۵۸۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. با توجه به رشد ۹۰ درصدی میزان تولید و ۹۴ درصدی مساحت کاشی‌های به فروش رفته در بازار داخلی، مشاهده می‌شود که بخش قابل توجهی از افزایش ارزش ریالی فروش داخلی کاشی و سرامیک، از افزایش قیمت‌ها (تورم) ناشی شده است. بی‌ثباتی قیمت‌ها سبب شده است که با وجود تقریباً دو برابر شدن میزان فروش داخلی، درآمد حاصل از آن نزدیک به شش برابر شود. این امر اگرچه برای کارخانه‌های سازنده شاید نکته مثبتی باشد، اما از آنجا که با افزایش سرسام‌آور قیمت تمام شده محصول همراه بود، نمی‌توان گفت که تاثیر بسزایی در سودآوری واحدهای مذکور داشته است، بلکه می‌تواند به صورت عامل منفی در توان رقابت این واحدها در بازارهای داخلی و خارجی عمل کند. بررسی ظرفیت اسمی کارخانه‌های تولید کاشی دیواری نشان می‌دهد که مجموع ظرفیت این واحدها از ۲۶/۸ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۲ به ۲۸/۱ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۳ و سپس به ۳۳/۹ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. گسترش این ظرفیت‌سازی در سال ۱۳۷۵ به ۴۳/۵ میلیون متر مربع، سال ۱۳۷۶ به ۴۸/۷ میلیون متر مربع ترقی کرد، اما در سال ۱۳۷۸ به ۴۷/۴ میلیون متر مربع رسید. در همین

حال میزان تولید کاشی دیواری از ۲۷ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۲ به ۲۸ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۳ و سپس به ۳۶ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت. آمارهای موجود نشان می‌دهد که میزان تولید کاشی دیواری از ۴۰ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۵ به ۴۳/۸ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۶ و سپس به ۴۴/۸ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است. به این ترتیب بازده تولید (میزان تولید به نسبت ظرفیت اسمی) در کارخانه‌های کاشی دیواری از ۱۰۱ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۷۳ تنزل یافت، اما در سال ۱۳۷۴ به ۱۰۶ درصد رسید. این بازده در سال ۱۳۷۵ به ۹۲ درصد و در سال ۱۳۷۶ به ۹۰ درصد کاهش یافت، اما در سال ۱۳۷۷ به ۹۱ درصد و در سال ۱۳۷۸ به ۹۵ درصد بهبود یافت.

ظرفیت‌سازی در صنایع کاشی کف در برنامه دوم از رشد سریعی برخوردار شد، به طوری که از ۴/۷ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۲ به ۱۹/۷ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۸ رسید که نشانگر رشدی در حدود ۳۲۰ درصد می‌باشد. میزان تولید کاشی کف نیز طی این دوره زمانی رشدی به میزان ۲۲۰ درصد داشت و از ۵ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۲ به ۱۶/۱ میلیون متر مربع در سال ۱۳۷۸ رسید. اما بازده صنعت کاشی کف طی این دوره نوسانات زیادی داشته و از ۱۰۶ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۹۸ درصد در

سال ۱۳۷۳ و سپس به ۸۴ درصد در سال ۱۳۷۴ تنزل یافت. اما در سال ۱۳۷۵ به ۸۸ درصد ترقی کرد و پس از آن به ۸۴ درصد در سال ۱۳۷۶ و ۸۱ درصد در سال ۱۳۷۷ کاهش یافت. در سال ۱۳۷۸ این بازده اندکی بهبود یافت و ۸۲ درصد ظرفیت اسمی کارخانه‌های کاشی کف مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

محدودیت فروش و تقاضا در بازار داخلی یکی از دلایل عمده فقدان بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های نصب شده در این بخش می‌باشد. کارشناسان عقیده دارند که کارخانه‌های کاشی (کف و دیواری) برای بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت اسمی خود می‌بایست به بازارهای قابل دسترسی در آسیای میانه و حاشیه جنوبی خلیج فارس بیش از پیش اتکا کنند و بازاریابی خود را در این کشورها توسعه دهند.

بررسی‌های آماری وزارت صنایع و معادن نشان می‌دهد که رشد تولید کاشی دیواری در دو برنامه توسعه اقتصادی کشور (۷۸-۱۳۷۸) به طور متوسط سالانه ۷ درصد و کاشی کف سالانه ۲۵ درصد بوده است، در حالی که متوسط رشد سالانه مصرف کاشی دیواری و کف در بازار داخلی ۱۰ درصد و میانگین رشد صادرات آنها طی همین دوره ۵ درصد بوده است.

با این وصف می‌توان گفت به لحاظ استعدادهای بالقوه در این صنعت (وجود بخش قابل توجهی از مواد کانی موردنیاز برای این رشته، نیروی کار و انرژی ارزان و بهبود فناوری تولید)، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در

برنامه‌های اول و دوم برای ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید کاشی دیواری و کف در کشور صورت گرفته است، به گونه‌ای که با وجود صادرات محدود این اقلام، نزدیک به ۱۰ درصد ظرفیت اسمی بلااستفاده می‌ماند. از این رو توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش، جز با دید صادرات، خطایی بزرگ محسوب می‌شود که رکود فعالیت واحدهای موجود و تازه‌تأسیس را به دنبال خواهد داشت.

براساس آمارهای منتشره از سوی وزارت صنایع و معادن، مجموع تولید کارخانه‌های کاشی دیواری و کف در سال ۱۳۷۹ به بیش از ۶۳ میلیون و ۸۵۹ هزار متر مربع رسید که شامل ۱۶ میلیون و ۵۷۱/۹ هزار متر مربع کاشی کف و ۴۸ میلیون و ۲۸۷/۵ هزار متر مربع کاشی دیواری بود. این آمارها نشان می‌دهد که میزان بهره‌برداری از ظرفیت اسمی کارخانه‌های کاشی کف در سال ۱۳۷۹ به ۷۲/۶ درصد و کارخانه‌های کاشی دیواری به ۹۷/۱ درصد رسید و در مجموع صنعت کاشی دیواری و کف این بازده معادل ۸۹/۲ درصد بود.

در مقایسه با ارقام بازده این صنعت در سال ۱۳۷۸، مشاهده می‌شود که بازده تولید در صنعت کاشی دیواری از سطح ۹۵ درصد سال ۱۳۷۸ ارتقا یافته، اما از سطح بازده ۸۲ درصدی صنعت کاشی کف در سال ۱۳۷۸ تنزل کرده است، به طوری که افت شدید بهره‌برداری از ظرفیت اسمی نصب شده در بخش کاشی دیواری موجب گردیده که بازده کل صنعت (کاشی کف و دیواری) از

۹۱ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۸۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۹ تنزل یابد.

با توجه به آنکه بخش ساختمان در سال ۱۳۷۹ از رونق قابل توجهی برخوردار بوده است، صنایع سازنده کاشی کف می‌بایست به تولیدات جایگزین و توان رقابت آنها توجه ویژه‌ای داشته باشند و تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای ارتقای کیفیت و نیز بازاریابی صادراتی به عمل آورند. پارکت، موکت، سنگ‌های تزئینی و... که در پوشش کف مورد استفاده قرار می‌گیرد، از کالاهای جایگزین و رقیب سرسخت برای کاشی کف می‌باشند.

براساس پیش‌بینی دفتر صنایع معدنی وزارت صنایع و معادن، مجموع تولید کاشی دیواری و کف کارخانه‌های ایران در سال جاری حدود ۶۸/۶ میلیون متر مربع پیش‌بینی می‌شود که نسبت به عملکرد سال گذشته (حدود ۶۳/۹ میلیون متر مربع)، ۷/۳ درصد افزایش می‌یابد. تولید کاشی دیواری در سال جاری با ۱/۴ درصد رشد نسبت به سال گذشته به حدود ۴۹/۷ میلیون متر مربع و تولید کاشی کف با ۱۳/۱ درصد افزایش ۱۸/۹ میلیون متر مربع پیش‌بینی شده است.

وزارت صنایع پیش از این ظرفیت تولید کاشی دیواری ۱۶ واحد فعال در این زمینه را در سال جاری ۵۰/۹ میلیون متر مربع و تولید آنها را ۵۰/۲ میلیون متر مربع و ظرفیت تولید کاشی کف ۲۸ واحد فعال در این رشته را ۵۵/۵ میلیون متر مربع و مجموع تولید آنها را ۴۴/۷ میلیون متر مربع پیش‌بینی کرده بود.

در این پیش‌بینی ظرفیت تولید کاشی دیواری در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ معادل ۵۵/۴ میلیون متر مربع تخمین زده شد و سطح تولید در سال ۱۳۸۱ به میزان ۵۳ و در سال ۱۳۸۲ برابر با ۵۴/۲ میلیون متر مربع برآورد شده است.

در همین حال ظرفیت تولید کاشی کف در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به میزان ۵۵/۵ میلیون متر مربع، اما میزان تولید در سال ۱۳۸۰ برابر با ۴۴/۷ میلیون متر مربع، در سال ۱۳۸۱ به میزان ۵۰/۲۵ میلیون متر مربع و در سال ۱۳۸۲ برابر با ۵۳/۴۵ میلیون متر مربع برآورد شده است.

ایس‌ان ارقام نشان می‌دهد که کارخانه‌های تازه‌ای در زمینه تولید کاشی دیواری و کف راه‌اندازی نخواهد شد و سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا به توسعه خطوط تولید موجود اختصاص می‌یابد. در همین حال میزان بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسمی کارخانه‌ها فزونی خواهد یافت که بخشی از آن به رشد تقاضای داخلی (با توجه به رونق بخش ساخت‌وساز) و بخشی نیز برای صادرات تخصص می‌یابد.

کارشناسان عقیده دارند که صنعت کاشی و سرامیک ایران در سال‌های اخیر از رشد مناسبی برخوردار شده و این رشد فقط از جنبه کمی (ظرفیت‌سازی) نبوده، بلکه دستیابی به فناوری. از لحاظ کیفیت نیز بهبود درخور توجهی یافته است. آنها عقیده دارند که با توجه به آنکه ۸۵ درصد مواد اولیه صنعت کاشی و سرامیک در بازار داخلی موجود است، فقط سرمایه‌گذاری برای فرآوری مواد اولیه،

تولید برخی لعاب خاص و... ضرورت دارد تا وابستگی ۱۵ درصدی این صنعت به خارج از کشور به تدریج از بین رفته و ارزش افزوده فرآوری مواد اولیه نیز نصیب اقتصاد ملی گردد.

کارشناسان با اشاره به اشتغال مستقیم و غیرمستقیم که از توسعه صنعت کاشی ایجاد می‌شود و با توجه به بیکاری گسترده در سطح جامعه، رفع مشکل فروش (در بازارهای داخلی و خارجی)، ارایه تسهیلات مناسب برای بهسازی خطوط تولید در راستای گسترش صادرات، حذف عوارض متعدد و مالیات‌های گزاف از این صنعت به منظور ارتقای توان رقابت آن در بازارهای بین‌المللی ارایه تسهیلات حمل و نقل مطمئن و ارزان و... می‌تواند در کاهش قیمت تمام شده محصولات این بخش و بهبود توان رقابت آن در بازارهای داخلی و خارجی مؤثر خواهد بود.

سطح اشتغال مستقیم در صنایع کاشی‌سازی ایران در سال ۱۳۷۸ به ۱۴ هزار نفر رسید. از نظر نیروی انسانی متخصص، مبتکر و طرح و نیز مدیریت کار مشکلاتی در این بخش مشاهده نمی‌شود و بخش‌های تحقیق و توسعه در شماری از واحدهای فعال توانسته‌اند توفیق چشمگیری در دستیابی به فناوری روز به وجود آورند. در حال حاضر بخش قابل توجهی از خطوط تولید کاشی و سرامیک در داخل کشور قابل طراحی و ساخت می‌باشد، لیکن سرمایه‌گذاران در این رشته علاقه‌ای به استفاده از آنها نشان نمی‌دهند.

با توجه به آنکه صنعت کاشی و سرامیک، اشتغال مولد غیرمستقیم گسترده‌ای را (برای فروش داخلی و خارجی کاشی و سرامیک و نصب آن) ایجاد می‌کند، تداوم روند توسعه این صنعت از جهت حفظ اشتغال در جامعه حایز اهمیت است.

با این وجود کارشناسان، موضوع ارزانی نیروی کار کشور را با توجه به بهره‌وری آن رد می‌کنند. در حال حاضر سرانه تولید کارگر در صنایع کاشی و سرامیک ایران ۴۳۵۰ مترمربع (در سال) برآورد می‌شود. در حالی که میانگین سرانه تولید کارکنان صنایع کاشی و سرامیک جهان نزدیک به ۱۰ هزار متر مربع (در سال) می‌باشد. از این رو هزینه دستمزد و دیگر هزینه‌های تولید که به طور سالانه حدود ۲۰ درصد افزایش دارد، توان رقابت واحدهای کاشی و سرامیک ایران را در برابر رقبای تازه وارد (چین و هند) تضعیف کرده است.

کارشناسان عقیده دارند، دولت باید تمهیداتی بیندیشد که هزینه تمام شده تولیدات صنعتی کشور از جمله کاشی و سرامیک در حد قابل توجهی تنزل یابد. این امر به ویژه برای جهش صادرات ضروری است. در همین حال حل مشکلات مربوط به بسته‌بندی، حمل و نقل، امور بانکی در خارج از کشور و... برای توسعه فعالیت درون و برون‌مرزی صنایع کاشی و سرامیک ضروری است.